

اخلاق و تربیت اسلامی

انفاق و زکات

حجة الاسلام محمد حسن رحیمیان

هر عمل حرام دیگر و بسیاری از امور دیگر تحت عنوان «مکاسب محرمة» نبی و تمام آنها را تحریم فرموده است و در عین حال راههای صحیح کسب و درآمد را از قبیل بیع، جماله، مضاربه، مزارعه، مسافات و... و بالاخره گرفتن اجرت در برابر هر کار مشروعی با شرایط و قیود مربوطه به طور مبسوط و گسترده بیان فرموده است که این مجموعه خود بخش مهمی از فقه اسلامی را تشکیل می دهد. البته ابعاد اخلاقی و نظام دقیقی که تضمین کننده حقوق مردم و رعایت حق و عدل است و روابط صمیمانه و آکنده از اطمینان و آرامش خاطر می باشد که در بنیاد این مقررات و عمل به آنها بین افراد جامعه پدید می آید، در جای خود باید بررسی و تحقیق شود.

کسب حلال

به طور کلی درباره کار و کسب مال و تأمین نیازهای زندگی از طریق حلال تأکید فراوانی شده که در اینجا به چند نمونه اشاره می شود:
عن التی (ص): «العیادة سَبْعُونَ جُزْءَ أَفْضَلِهَا تَلَبُّ الْخَلَالِ».
عبادت دارای هفتاد جزء است که برترین آنها به دست آوردن مال حلال است.

و از حضرت صادق علیه السلام چنین نقل شده:
«الكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ».

(وسائل کتاب التجاره. باب ۲۳).

کسی که برای تأمین زندگی عائله خویش زحمت می کشد همانند کسی است که در راه خدا جهاد می کند.
و از پیغمبر اکرم (ص) نقل شده که فرمود:
«مَلْفُؤُنْ مِّنَ الْفَقْرِ كَلَّةٌ عَلَى النَّاسِ».

(جامع السعادات ج ۲/۱۰۹).

از رحمت خدا بدور است کسی که بار زندگی اش را به دوش مردم بیفکند.

و از امام صادق علیه السلام منقول است که فرمود:
«لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاةً لِآخِرَتِهِ وَلَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَاةٍ».

از ما نیست کسی که دنیایش را برای آخرت و آخرتش را به خاطر دنیا واگذارد.

خطرات مال

اسلام در عین حال که آنهمه بر کار و کوشش برای کسب مال حلال ترغیب و تأکید فرموده است، از دل بستن به مال و فریفته شدن به آن نبی فرموده و آن را در کنار برخی از عوامل دنیوی دیگر، وسیله ای برای آزمایش انسان دانسته و در صورت بازی خوردن از آن و غفلت از خدا آن را عامل انحطاط، سقوط و خسران معرفی فرموده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ».

(مناقرن/۹).

یکی از مظاهر دنیا «مال» است که انسان آن را از راههای گوناگونی به ملکیت خود درآورده و برای تأمین نیازها و اهداف خویش مورد استفاده قرار می دهد و اسلام که دینی است برای دنیا و آخرت و جسم و جان و احکام آن با توجه به ویژگیهای تکوینی انسان تشریح شده است، در مورد غرائز و نیازهای مادی انسان و از جمله امور اقتصادی و مالی او نیز دارای دستورات و احکامی است که ضمن سامان بخشیدن و تأمین نیازهای مادی فرد و جامعه، مجموعه این امور را در خدمت رشد و کمال معنوی انسان قرار می دهد.

اسلام در مورد راههای به دست آوردن مال از دزدی، ربا، کم فروشی، غش در معامله، احتکار و خرید و فروش اعیان نجاسات، مسکرات، آلات قمار و هر وسیله ای که منحصرأ در جهت حرام به کار گرفته می شود، اکتساب به سحر و



ای کسانی که ایمان آورده اید مبادا که «امواتان» و فرزندان شما را از یاد خدا غافل کنید. آنان که چنین کنند همانا زیانکارانند.
«وَاعْتَمُوا أَلْمَا أَمْوَالِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ فِتْنَةً وَإِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ».

(انفال/ ۲۸)

و بدانید که «مالهایتان» و فرزندانان فقط آزمایشی است و نزد خدا است پاداشی بزرگ.

«... وَقَا الْحَيَوَةُ الدُّنْيَا إِلَا مَتَاعُ الْعُرُورِ، تَبْلُؤُونَ فِى أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ...».

(آل عمران - آخر آیه ۱۸۵ و اول آیه ۱۸۶)

... و زندگی این دنیا جز مایه فریب نیست. بی گمان در اموال و جانهایتان مورد ابتلا قرار می گیرید.

معلوم است که مال در زمره مظاهر دنیا به طوری غریزی مورد تعلق خاطر انسان قرار دارد و قرآن این مطلب را چنین بیان فرموده است:

«زَيْنَ لَيْلَتَانِ حُبِّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرِيِّ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَوَةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ».

(آل عمران - آیه ۱۴)

برای مردم دوست داشتن شهوات از: زنان، فرزندان و بسته های فراهم شده از طلا و نقره و اسبان داغدار و رمه و کشت، آرایش یافته است این متاع زندگی دنیا است. و نزد خداست سرانجام نیک.

دل بستن به مال منشأ هلاکت

گرچه وجود این غرائز در انسان بخاطر بقا و نسل و زندگی مادی انسان ضروری است ولی اگر خارج از کنترل و بیرون از مرز اعتدال و ضرورت، از آنها استفاده شود موجب هلاکت انسان می شوند و به فرموده امام صادق علیه السلام:

«مَسَلُ الدُّنْيَا كَمَسَلِ مَاءِ الْبَحْرِ كُلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ أَزْدَادَ عَطْشًا حَتَّى يَقْتُلَهُ».

مثل دنیا، مثل آب دریا است که هر چه انسان تشنه از آن بیاشامد عطش او افزون شود تا او را هلاک نماید.

پس: به این نکته مهم باید توجه داشت که این امور و از جمله مال هرگز نباید عنان اختیار را از کف انسان برابند و بصورت مانع و حجابی تاریک، راه تکامل و تعالی معنوی انسان را مسدود و قلب انسان را از تابش نور ایمان و محبت به خدا محروم سازند و به همین جهت در آیه دیگر ضمن برشمردن نمودارهای مهم این نوع وابستگیهای طبیعی، هشدار می دهد که مبادا انسان با فرار دادن آنها در معرض محبت به خدا، دل بستگی به آنها بر محبت به خدا غلبه نماید:

«قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرْتَفُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ».

(نوبه - آیه ۲۴)

بگو: اگر پدرانتان، فرزندانان، برادرانتان و همسرانتان و خویشانان و اموالی که به دست آورده اید و تجارتی که از کساد آن هراس دارید و مسکینانی که دل به آن خوش کرده اید نزد شما از خدا و پیامبر خدا و جهاد در راه خدا محبوبتر است، پس منتظر باشید تا خدا امر خویش را بیاورد که خدا فاسقان را هدایت نفرماید.

علاقه و دل بستن به مال دنیا و حرص بر ثروت اندوزی و تکاثر، انسان را از یاد خدا غافل ساخته و چنین انسانی آنگاه که خود را در ثروت انبوه مستغرق دید، علی رغم فقر و نیازی که در ذات و هستی او وجود دارد، چنان دچار تکبر و فریفتگی میشود که احساس بی نیازی و استغناء به او دست داده و در پی آن سراز طغیان و سرکشی در می آورد.

«إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَإِغْفَىٰ أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْفَىٰ».

(علق - آیات ۷ و ۶)

آنگاه که انسان خویش را بی نیاز دید، طغیان می کند.

و از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمود:

«إِذَا ظَلَمْتُ عَلَى الْجَنَّةِ قَرَأْتُ أَكْثَرَ أَهْلِهَا الْفُقَرَاءَ وَأَقْلَمْتُ عَلَى النَّارِ قَرَأْتُ أَكْثَرَ أَهْلِهَا الْأَغْنِيَاءَ».

بر بهشت نگریدم، اکثر اهل آن را فقرا یافتم و بر جهنم نگریدم، اکثر اهل آن را اغنیایا یافتم!!

بخل

یکی از نتایج حب مال و دل بستگی آن، صفت رذیله بخل است که خود زمینه ساز پستی و بدبختی انسان و دوری بیشتر او از خدا و بندگان خدا می شود که آیات و روایات در مذمت آن بی شمار است:

«وَلَا يَخْسِبَنَّ الَّذِينَ يَتَّخِلُونَ بِمَا أَنَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرٌ لَّهُمْ مِمَّا يَكْتَسِبُونَ سَيَلْقَوْنَ مَا يَبْغُلُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

(آل عمران/ ۱۸۰)

و آنان که نسبت به آنچه خداوند از کرم خویش به آنها داده، بخل می ورزند گمان نکنند این کار برای ایشان مایه خیر است بلکه بخل برای ایشان مایه شر است. روز قیامت آنچه را به آن بخل کرده اند طوق گردنشان میشود.

«هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَدْعُونَ لِتَغْنَفُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَتَّخِلُ وَمَنْ يَتَّخِلْ فَإِنَّمَا يَتَّخِلْ عَن نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ...».

(ممتحنه/ ۳۸)

اینک شما اشخاص برای آن که در راه خدا اتفاق کنید، دعوت می شوید، پس بعضی از شما بخل می ورزند و هر که بخل ورزد فقط در باره خویش بخل می ورزد که خدا بی نیاز است و شما نیازمندان.

و از پیغمبر گرامی (ص) نقل شده که فرمود:
«السُّخَّ وَالْإِيمَانُ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي قَلْبٍ وَاحِدٍ».

بخل و ایمان در یک قلب جمع نمی شوند.

اسلام برای پیشگیری از فروغلبیدن انسان در دنیا و مظاهر آن و دل باختن در برابر مال و منال و پس آمدهای مهلک آن از قبیل حرص، طمع و بخل که موجبات ذلت نفس و غفلت از خدا و سرانجام خسران ابدی انسان را فراهم می کنند، بهترین شیوه ها را ارائه داده و گذشته از محدودیتها و حدود و قیودی که برای کانهای درآمد و کسب مال مقرر کرده بر صفات پسندیده و فضائل برجسته ای مانند زهد، روح، سخاوت و قناعت تأکید و ترغیب فراوان و نتایج و پادشاهی بی اندازه ای برای آنها بیان کرده است، که نمونه ای از آنها در اینجا ذکر می شود:

زهد

در معنی زهد از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام چنین نقل شده:

«الرُّهْدُ كُلُّهَا بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ، قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: يَكْبَلُوا تَأْسُؤًا عَلَيَّ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ».

(سبح البلاغه - کلمات فصاحت)

زهد به معنی کامل در دو کلمه از قرآن بیان شده است. خداوند سبحان می فرماید: تا برای آنچه از دست شما رفته است اندوهناک نشوید و برای آنچه که بدست شما آمده خوشحال و غره نگردید.

و امام صادق علیه السلام درباره اهمیت زهد فرموده است:

«... أَلَا إِنَّهُ حَرَامٌ عَلَيْكُمْ أَنْ تَجِدُوا قَلْعَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَرْتَدُّوا فِي الدُّنْيَا».

آگاه باشید که از چشیدن طعم ایمان محروم هستید تا آنگاه که از زهد نسبت به دنیا برخوردار شوید. و در مورد سخاوت که از آثار زهد و نموداری از ایمان است، از پیغمبر اکرم چنین نقل شده است:

«السَّخَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْإِيمَانُ فِي الْجَنَّةِ».

سخاوت از ایمان است و ایمان در بهشت.

و نیز از آنحضرت نقل شده که فرمود:

«إِنَّ السَّخِيَّ قَرِيبٌ مِنَ اللَّهِ، قَرِيبٌ مِنَ النَّاسِ، قَرِيبٌ مِنَ الْجَنَّةِ، بَعِيدٌ مِنَ النَّارِ».

همانا سخاوتمند به خدا نزدیک است. به مردم نزدیک است، به بهشت نزدیک است و از آتش (دوزخ) دور است.

قناعت و میانه روی

همچنین بر قناعت و میانه روی در هزینه های زندگی و ساده زیستی تأکید

فراوان شده است که این امر به نوبه خود موجب عزت نفس و عدم دلستگی و وابستگی بیش از حد به دنیا و مال دنیا بوده و زمینه حرص، طمع و امانت آنها را منتفی می سازد و در همانحال از اسراف و تبذیر به شدت نهی شده است که ترک این دو نیز در تأمین منظور فوق نقش به سزائی دارند:

«عَزَمَنْ قَتَعَ وَذَلَّ مَنْ ظَمَعَ».

عزت به قناعت است و ذلت به طمع.

از پیغمبر اکرم (ص) در مورد میانه روی در زندگی و نهی از تبذیر چنین نقل شده است:

«مَنْ افْتَضَدَ اغْنَاهُ اللَّهُ وَمَنْ بَدَّرَ أَفْقَرَهُ اللَّهُ».

کسی که میانه روی. در هزینه زندگی. پیشه کند خداوند بی نیازش فرماید و کسی که تبذیر کند خداوند فقیرش نماید.

و از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که:

«الْقَصْدُ مَقْرَأَةٌ وَالسَّرْفُ مَقْتَلَةٌ»

(وافی ج ۵/۲۹۵)

میانه روی. در زندگی. موجب ثروت و اسراف، موجب هلاکت است.

و از امام محمد باقر علیه السلام چنین نقل شده:

«مَنْ قَتَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنَ الْمُغْنَى النَّاسِ».

(الکافی ج ۲/۱۳۹ باب القناعة)

اسراف و تبذیر

اسراف و تبذیر که یکی از عوامل عمده در افراط و حرص در ثروت اندوزی است و منشأ بسیاری از نابسامانیها، نابرابریها و مشکلات اقتصادی بشریت است به عنوان گناه کبیره مورد نهی قرار گرفته و آیات و روایات فراوانی در این باره وارد و ضمن آنها ابعاد و احکام و نتایج زیانبار آن را بیان داشته است.

«... وَإِنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمُ أَصْحَابُ النَّارِ».

(غافر ۴۳)

... و همانا اسرافکاران خودشان اهل دوزخند.

(انبیاء ۹۱)

«... وَاهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ».

... و مسرفین را هلاک کردیم.

«كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ».

(اعراف ۳۱)

... بخورید و بنوشید و اسراف نکنید که خداوند اسرافکاران را

دوست ندارد.

«... وَلَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ

(اسراء آخر آیه ۲۶ و آیه ۲۷)

وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا».

و هرگز تبذیر را روا مدار که مبذران و اسرافکاران برادران شیطانند و شیطان سخت کفران نعمت پروردگار خود کند.

و به طور کلی از مصرف مال در جهت لغو، گناه و هر نوع فساد و تباهی چه

برای صاحب مال یا دیگران نهی شده است.

ادامه دارد